

گفت‌وگو با مدیران پنج شرکت که مهیای تحول آفرینی در کشور شده‌اند

تولید دانش بنیان، زیر چتر حمایتی آستان قدس رضوی



۴



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۶۲ |

موعظه / آیت‌الله مظاهری



در گفت‌وگو با مدیر عامل شرکت صنایع پیشرفته رضوی تشریح شد

از تأسیس پردیس فناوری های پیشرفته تا وقف‌های نوین برای دانش بنیان‌ها

۲

در مراسم رونمایی از کتاب «بهشت بقیع» عنوان شد

نگاهی فرا مذهبی به یک میراث تمدنی

۳

پنجمین نشست ارتباطات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل برگزار شد

۴

وقف و نذر

اهدای دومین مجموعه بزرگ نسخ خطی به آستان قدس رضوی



مجموعه‌ای افزون بر هزار و ۲۰۰ نسخه خطی و چاپ سنگی و همچنین اسناد متعلق به خاندان آیت‌الله روضاتی وارثان صاحب کتاب «روضات الجنات» به مرکز نسخ خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا شد. حجت‌الاسلام حسینی؛ رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، خاندان روضاتی را به لحاظ موقعیت علمی و شخصیت اجتماعی، از بیوتات برجسته شیعه برشمرد که نزدیک به چهار قرن است که ساکن شهر اصفهان هستند و خدمات ارزنده‌ای برای میراث شیعه داشته‌اند.

آیت‌الله سیداحمد روضاتی، اهدکننده این مجموعه ارزشمند، این اقدام را گامی در راستای حفظ میراث شیعه عنوان کرد و گفت: در بیوت بسیاری از علما کتابخانه‌های ارزشمندی وجود دارد که پس از تقسیم شدن بین ورثه کوچک شده و بخشی از آن نیز از بین رفته است در حالی که این منابع میراث عقیدتی مذهب شیعه به شمار می‌رود. گفتنی است در این مجموعه که شامل ۸۸۹ نسخه خطی، ۴۰۵ نسخه چاپ سنگی، سربی و افسط با موضوعات علم حدیث، فقه، تفسیر، ادعیه، اصول و کلام و ۳۶ برگ اسناد تاریخی است آثار نفیسی از قرن‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ به چشم می‌خورد و مجموعه الوافیه استرآبادی، فروغ کافی، شرح مختصر الاصول و رساله طب الرحمه از قدیمی‌ترین و نفیس‌ترین نسخه‌های خطی آن به شمار می‌رود که در قرن نهم هجری قمری کتابت شده است.

نیمکت زنده گی

خوشا راهی که پایانش تو باشی

امیرمؤمنان(ع) چه کسانی را برای اداره حدود مشهد امروز تعیین کرد؟

کارگزاران امام علی علیه السلام در خراسان قدیم

به وی سپرد و به جای ابن‌هبیره، عبدالرحمن بن ابزی خزاعی را به خراسان فرستاد. او پس از ورود به این ناحیه، از مناطق مختلف آن بازدید کرد و چند صبا‌خی را در منطقه میان سناباد و نوغان، حدود مشهد امروز گذراند. گردیزی در «زین‌الآخبار» درباره عبدالرحمن می‌نویسد: «عبدالرحمن مرد خردمند و پاک‌دین بود و با مردم معاملات کرد و رسم‌های نیکو نهاد». حضور عبدالرحمن و تلاش او برای تداوم کارهای ابن‌هبیره در خراسان سبب برقراری آرامش در این خطه و ممانعت از بروز شورش و نیز هجوم بقایای ساسانیان که در آن سوی ماوراءالنهر به دنبال فرصتی برای تسلط بر خراسان بودند، شد. عبدالرحمن تا سال ۴۰ ق یعنی زمان شهادت امام علی(ع) در خراسان باقی ماند و در دوران کوتاه خلافت امام حسن(ع) نیز این مسئولیت را دارا بود. در عهد حکمرانی عبدالرحمن، خراسان به سبب رفتار عادلانه وی، در آرامش کامل به سر برد.

مقاومت ایرانیان مسلمانان این شهر، راه به جایی نبردند. امیرمؤمنان(ع) با توجه به این اوضاع در هم ریخته، باید فردی را به خراسان می‌فرستاد که از هر نظر مورد اعتماد و وثوق ایشان بود. نکته جالب توجه این است که بدانید ساختار اداری خراسان پس از فتح توسط مسلمانان، با دوران پیش از آن تفاوتی نداشت؛ دهقانان و مرزبانان دوره ساسانی بر مسئولیت‌های خود ایفا شده بودند و کارهای جزئی توسط آن‌ها سر سامان می‌گرفت. همچنین طبق روایت بلاذری در «فتوح‌البلدان»، امیرمؤمنان(ع) برای دهقانان (بزرگ مالکان)، اُسواران (نظامیان) و دهسالاران (کدخداه‌ا) نامه‌ای عمومی مبنی بر رسمیت ابن‌هبیره نوشت و فرمان داد مالیات‌ها را به او پرداخت کنند و این فرمان، شامل بزرگان نوغان، سناباد و طوس نیز می‌شد.



با آغاز خلافت امیرمؤمنان(ع) آن حضرت برای برقراری آرامش در سرزمین‌های اسلامی، تعدادی از کارگزاران مورد اعتماد خود را به خراسان روانه کرد. این افراد که عموماً در نیشابور، مرو و طوس بی‌توته می‌کردند، حکومت اراضی میان سناباد و نوغان قدیم را که بعدها مشهدالرضا(ع) در آن پا گرفت، بر عهده داشتند.

■ **چشین طعم عدالت علوی**

ابن‌هبیره پس از ورودش به خراسان کوشید با اصلا‌ح امور، آرامش را در این بخش از ممالک اسلامی برقرار کند. حضور وی موجب شد ساختارهای مالی در این منطقه، نظم و نسق درستی بیابد و از اجحاف و ستم‌کاری تا حد زیادی جلوگیری شود. حدود یک سال پس از آغاز مأموریت ابن‌هبیره، امیرمؤمنان(ع) وی را به مرکز خلافت اسلامی فراخواند و کار دیگری را

این وضعیت در شرایطی رقم خورد که هنوز بخش زیادی از مردم این ناحیه، مسلمان نشده بودند. اما رفتار منصفانه و توأم با خیرخواهی کارگزار امام علی(ع) موجب رضایت خاطر همه اتباع حکومت اسلامی اعم از مسلمان و غیرمسلمان شد. با قدرت گرفتن معاویه و نوع نگاه وی به ایرانیان، شرایط در خراسان نیز تغییر کرد و ناحیه نوغان و سناباد، محل وقوع قیام‌ها و حوادث تاریخی متعددی شد.

منبر مجازی سخت‌نگیرید!



حجت‌الاسلام قرائتی | یکی از مسائل اخلاقی و اجتماعی که سرنخ اون در تمام مسائل پیدا میشه، مسئله تکلفه. تکلف یعنی زور می‌زنیم که یک کاری بشه. به خودمون، به دیگران، به زن و بچه سخت می‌گیریم. یک وقت یک چیزی حکمته، مثل یک مریض که باید عمل جراحی بشه... سخت هم هست ولی باید قبول کرد. علم است، حکمت است، فرمان خداست، سخت هم هست باید قبول کنیم. اما گاهی اوقات خدا و پیامبر سخت نگرفته است ما خودمون سخت می‌گیریم. این زندگی رو تلخ می‌کنه. این هم اسمش تکلفه، در سوره ص آیه یکی به آخر مونده، پیامبر فرمود: «ما آتَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِینَ»... من اهل تکلف نیستم. شعار ما این باشه در کارهایی که فرمانی از وحی و عقل نیست سخت‌نگیریم. ما در وظایف خودمون نباید کوتاهی کنیم اما در انتخاب همسر، در انتخاب خانه، در انتخاب رشته تحصیلی، در هر چیزی هم گیر ندیم... معنی توکل بر خدا هم ایینه که بیش از اون که خدا و پیامبر گفته، گیر ندین. آدمای اهل تکلف سه تا نشونه دارن. همیشه با بالادست خودشان درگیرن... دنبال یک چیزی میگردن که دست آدم به اون نمیرسه. حرفی رو هم که اطلاع کامل ندارن میزنن... آدم متکلف ظاهرش ریا و باطنش نفاقه... حدیث داریم حضرت فرمود: انبیا و اولیا از تکلف بری هستن. سعی میکن سخت نگیرن. آیت‌الله سیداحمد خوانساری از مراجع درجه یک بود. ایشان یک رساله نوشته بود صفحه اول آن آورده بود که این حرف‌هایی را که نوشته‌ام مؤمنین اگر خواستن میتونن عمل کنن... در دین خرجی نیست، در دین سختی نیست.

آدمی که به خودش سخت میگیره، هم خودش اذیت میشه و هم دیگران. مثلاً وسواسی‌ها زندگی رو به خودشون تلخ میکنن. وسواسی یعنی خدایا تو دروغ میگی! خدا میگه اینو شستی، پاک شد، وسواسی میگه پاک نشد...

سؤال بی‌جا هم نکنین. پیامبر راجع به حج صحبت میکرد یک نفر پرسید هر سال باید بریم یا یک بار در عمرمون؟ حضرت به او اعتنا نکرد. دو سه بار تکرار کرد. حضرت گفت اگر هر سال بگویم که پیر شما درمیا‌د... وقتی من می‌گویم حج یعنی یکی. چرا مدام گیر میدی...! تکلف گر نباشد خوش‌توان زیست/ تعلق گر نباشد خوش‌توان مرد... چسب زخم اگر روی موهای دست زده بشه، سخت کنده میشه ... دردناکه... کف دست باشه راحت کنده میشه... آدم موقع مرگ وقتی چیزی نداره راحت میمیره. حدیث داریم مؤمن که می‌خواهد بمیرد انگار گل بو میکنه، چون به دنیا نجسبیده... .